

واکاوی اصول اخلاقی و کاربردی فرزندان در اسلام با نگاه ویژه روایات

فاطمه نظریان^۱

چکیده

نسل بشر مسلماً از طریق تولید نسل و فرزندآوری تداوم پیدا می‌کند در واقع فرزندان نه تنها سرمایه انکارناپذیر جوامع بلکه سرمایه و ثمره زندگانی والدین‌شان نیز هستند. کودکان از سرشتی پاک و دست نخورده برخوردارند. از این رو مستعد تعلیم و تربیت از محیط و اطرافیان‌شان قرار می‌گیرند. اما چیزی که حائز اهمیت است این است که کیفیت تربیت والدین در آینده فرزندان و همچنین سعادت و شقاوت آن‌ها نقش بسزایی دارد. از همین رو دین مبین اسلام نیز جایگاه ویژه‌ای برای تربیت صحیح قائل شده است تا آن‌جا که هدف از بعثت پیامبران و تشریع شرایع را تعلیم و تربیت بشر و حرکت به سوی کمال و عبودیت معرفی کرده است. بنابراین روشن است که آگاهی والدین و مربیان کودک از ابعاد و مراحل تربیت، می‌تواند گام موثری در حرکت صحیح به سمت تربیت عالی اخلاقی و روشمند کودکان باشد. مطالب فوق حاکی از آن است که لازمه گام نهادن در مسیر تربیت صحیح کودکان، شناخت عمیق و صحیح از مسائل تربیتی است و این مهم حاصل نمی‌شود مگر با برنامه تربیتی دین و دستورات اسلامی. پژوهش حاضر در پی آن است که جایگاه تربیت کودک را در گوشه‌ای از صدها آیات و روایات به تصویر بکشد و جایگاه عالی تربیت فرزندان را در گفتمان اسلام نشان بدهد.

حال سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در آیات و روایات اسلامی چه اصولی برای تعلیم و تربیت صحیح و کاربردی معرفی شده است؟

تحقیقاتی در رابطه با تربیت کودک و شیوه‌ها و اصول تربیت کودک یافت می‌شود، اما مقاله حاضر در پی آن است که اصول کاربردی متناسب با تربیت کودک توسط والدین و مربیان آنان با روشی توصیفی-تحلیلی با نظر به قرآن و روایات و سیره معصومین علیهم السلام مورد واکاوی قرار بگیرد. برخی از مهم ترین اصول ذکر شده در این تحقیق عبارت انداز: اصل محبت به کودک، اصل احترام به کودک، بازی، آزادی کودکان، عقاید دینی، تنبیه، حقوق کودک، پرهیز از افراط و تفریط در تشویق و ملامت فرزندان و.... اشاره کرد

^۱ طلبه سطح دو، مدرسه علمیه فاطمه الزهراء سلام الله علیها، شهرستان کوهستان

کلمات کلیدی: اصول تربیتی، اخلاقی، قرآن، روایات

مقدمه

در بین مخلوقات الهی انسان دارای جایگاه و شرافت ویژه ای است. از دلایل این شرافت داشتن قوه عقل است که توان تربیت پذیری را برای انسان فراهم می‌آورد. در ذات انسان استعداد های فراوانی نهفته است که برای شکوفا شدن نیازمند تربیت و تعلیم است. از آنجایی که مقوله تربیت ابعاد مختلف وجود انسان را در بر می‌گیرد، باید برنامه جامعی وجود داشته باشد تا جنبه های مختلف تربیتی انسان را تحت مراقبت قرار دهد و استعداد های بشری را به شکوفایی برساند؛ چرا که اساساً بدون برنامه و نقشه ای جامع نمی‌توان به اهداف والای تربیت که همان رشد و تعالی الهی است، رسید. به عبارت دیگر صراحتاً می‌توان اظهار سعادت و شقاوت انسان به تربیت صحیح آن وابسته است. اهمیت مقوله تربیت به حدی است که می‌طلبد، تمام راهکارها و اصول کاربردی اصیل و لازم را آموخت و سپس رواج داد. برای نیل به این مقصود، ابتدا باید منابع اسلامی یعنی قرآن و روایات معصومین علیهم السلام را بررسی کرد تا بدین وسیله مشخص شود که قرآن و معصومین علیهم السلام چه اصول و روش های تربیتی و کاربردی به ما ارائه داده‌اند؛ زیرا به خوبی روشن است که بدون تمسک و تعلیم گیری از قرآن نمی‌توان به اهداف والای تربیتی دست یافت. عدم توجه به این اصول

الهی نه تنها باعث می‌شود که در مسیر هدایت قرار نگیرند بلکه موجبات گمراهی را در فرزندان و کودکان فراهم می‌آورند. علت عدم روی آوردن افراد به تعلیمات تربیتی اسلام، تکیه بر عقاید و تعلیمات ناقص خود است؛ درحالی که ثابت شده است صرفاً تکیه بر عقلانیت از نقص‌هایی برخوردار است، و به تنهایی نمی‌تواند جوابگوی نیازهای بشر در این امور باشد. حال سوالی که در این جا مطرح می‌شود این است که در آیات و روایات، چه اصولی برای تعلیم و تربیت کاربردی و اخلاقی کودکان معرفی شده است؟ تحقیقاتی در رابطه با شیوه‌ها و اصول تربیتی نوین یافت می‌شود. اما مقاله حاضر در پی آن است که این امر را از نظر اخلاقی و از منظر قرآن و روایات و سیره معصومین علیهم السلام، مورد بررسی قرار دهد. برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه به این شرح است؛ پژوهشی با عنوان رویکردها و روش تربیت اخلاقی و ارزشی اثر سید مهدی سجادی. این پژوهش درباره مبانی تربیت اخلاقی می‌باشد، اما مقاله حاضر بر آن بوده که اصول محدود به تدوین و مبانی تربیت اخلاقی توسط والدین را هم از منظر قرآن و هم روایات معصومین مورد واکاوی قرار دهد. همچنین در پژوهشی به نام تعلیم از دیدگاه اسلام اثر محمدرضا جوهری به تبیین چگونگی دستیابی به تعلیم هدفمند و صحیح از دیدگاه اسلام پرداخته در حالی که از ارائه اصول اخلاقی و کاربردی تربیت کودک تهی می‌باشد. بنابراین وجه تمایز مقاله پیش روی ارائه راهکارها و اصول اخلاقی در حیطه تربیت کودک با تکیه بر آیات و روایات اسلامی می‌باشد. ازجمله پژوهش‌های مرتبط، تحقیقی با عنوان تعلیم و تربیت از نگاه اسلام اثر نویسندگانی چون علی معصومی و زرین عباسی انجام شده که مقوله تعلیم و تربیت را به صورت کلی از نگاه آیات و روایات معصومین مورد پژوهش قرار داده است، اما پژوهش حاضر در نظر دارد که مقوله تربیت را به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر بررسی کند و به واکاوی اصول اخلاقی و کاربردی متناسب با کودک و اقتضای روحيات وی بپردازد.

مفهوم شناسی

الف) تربیت در لغت: تربیت در زبان فارسی به معنای پرورتن، پروراندن یا آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن آموختن و پرورش پرورش دادن کودک نابالغ و همچنین به معنای آموزش و پرورش هم آمده است. اهل لغت اغلب تربیت را با توجه به ریشه (رب، یرب) تعریف کرده‌اند از نگاه برخی از اهل نظر رب و تربیت از یک ریشه‌اند و معانی اساسی رب تربیت است همچنین کتاب‌های معتبر لغت زیادی در ذیل ریشه رب و کتاب‌های تفسیر در ذیل سوره حمد واژه رب العالمین آورده‌اند که رب به معنای تربیت معنا شده. علاوه بر این برخی از کتاب‌های لغوی‌اند؛ لسان العرب و تاج العروس برخی مشتقات واژه تربیت را در کنار هم بیان کرده‌اند. واژه تربیت از ریشه ربه و باب تفعیل است در این ریشه معنی زیادت و فزونی اخذ شده است.

(لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ص ۵۸۹ لسان العرب، ابن منظور، ج ۶)

ب) تربیت در اصطلاح عبارت است از: فعالیت منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و به طور کلی پرورش و شکوفایی استعدادهای متربی به گونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت متربی به ویژه در رفتارهای او ظاهر می‌شود. تعریف فوق ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر واژه‌های مشابه متمایز می‌سازد، اینکه تربیت فعالیتی منظم و مستمر است که این استمرار به گونه‌ای است که سراسر عمر انسان را پوشش می‌دهد ثانیاً گستره تربیت در تمام وجود انسان است. ثالثاً تربیت جریان بیرونی و درونی است. (تربیت از دیدگاه اسلام، رضایی، مسعود، ص ۶۵)

ج) تربیت اخلاقی:

تربیت اخلاقی عبارت است از جریانی از یک سلسله فعالیت‌های مستمر آموزشی و تهذیبی فرزندان که در جهت کسب برخی نگرش‌ها، درونی شدن برخی باورها و تثبیت برخی ارزش‌ها و هنجارها در همه‌ی جوانب زندگی فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد. این جریان مستمر تربیتی در نقطه اوج خود به التزام عملی و دلبستگی عمیق یادگیرنده منتهی شده، و باعث تطبیق کردار و گفتارهای او با هنجارهای اخلاقی و احکام دین می‌شود.

از نظر اسلام کودک باید در هفت سال اول زندگی خود آزاد باشد تا بتواند بازی کند و با طبیعت کودکانه خود پرورش یابد چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند: طفل باید هفت سال بازی کند هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد و هفت سال مقررات زندگی و حلال و حرام را یاد بگیرد. (کافی ج ۶) در جای دیگر فرمودند: (فرزند خود را هفت سال آزاد بگذارید که با فضای کودکانه ی خود بازی کند. در این دوران نباید به خاطر اعمال و کردارش مواخذه و تنبیه شود.) (کافی ج ۶) از این حیث به جهت درونی کردن و تثبیت هنجارها و اصول اخلاقی شایسته و مطلوب ابتدا باید با اصول و سلسله مباحث کاربردی و ارائه شده توسط قرآن و اهل بیت علیهم السلام و سیره آن بزرگواران آشنا شد و طبق فرآیندی هدفمند و مستمر کودکان را بهره‌مند ساخت. لازم به ذکر است به کاربردن این اصول در تعلیم و توانمندی‌های فردی و اجتماعی فرد به نحو شایسته‌ای راهگشاست؛ از جمله این اصول عبارت انداز:

۱- اصل محبت به کودک:

اصولاً یکی از راه‌های جلب اعتماد و بالتبع تاثیرگذاری در افراد، محبت کردن به آنهاست. کودک به دلیل فطرت عاطفی شکننده‌ای که داراست، بسیار در جلب محبت فعال است. کودکان و نوجوانان اصولاً با افرادی ارتباط عاطفی و صمیمی برقرار می‌کنند که محبت بیشتری از آنان دریافت کرده باشند. دین مبین اسلام به عنوان یک برنامه هدایتی کامل و جامع جهت راهنمایی افراد، به این اصل توجه اکید نموده، برای نمونه از وصایای راهگشا و رهنمودهای حضرت علی علیه السلام این بود که در خانواده نسبت به کودکان، عطف و مهربان باشید. (بحار، ج ۱۳۶: ۷۵)

رسول خدا فرمودند: کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنها رئوف باشید. (بحار، ج ۱۰۴-۹۲) تاکید اسلام نسبت به محبت به کودکان تا آنجاست که می‌فرمایند کسی که به کودک و بزرگترها احترام نگذارد مسلمان نیست. (بحار، ج ۱۳۷: ۷۵) و یا کلام خدای متعال در قرآن که می‌فرماید خدا درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند. (سوره نسا ۱۱). توجه به این نکته به خوبی حائز اهمیت است که صرفاً محبت و احترام و یا نیکی به بزرگترها مدنظر اسلام نبوده بلکه اسلام با نگاهی جامع و همه جانبه اصل توجه و محبت به کودکان را نیز در بحث تربیت بسیار مورد توجه قرار داده است، یعنی در بحث تربیت با اینکه محبت و احترام به بزرگترها و والدین کلیدی طلایی برای تربیت می‌باشد بلکه محبت به کودکان می‌تواند چه بسا تاثیری عمیق‌تر در فرایند تربیت به بار آورد در واقع این اصل در تقویت روحی کودکان تاثیر بسزایی دارد. دین مبین اسلام رافت و محبت را عامل اصلی پیوند قلب‌ها می‌داند و قرآن کریم رحمت و مودت را بین مسلمانان امر می‌کند. باتوجه به نگاه ویژه تربیتی، دین مبین محبت به کودک را سرچشمه اخلاق و کردار نیکو درآینده کودکان می‌داند؛ چراکه بسیاری از ناراحتی‌های روانی از دوران کودکی شکل می‌گیرد.

۲_ احترام به کودک

شاید گمان اکثر مردم بر این باشد که احترام صرفاً برای بزرگترهاست؛ اما معمولاً احترام به کودکان مورد غفلت واقع می‌شود. توجه به این نکته حائز اهمیت است؛ چرا که احترام معقوله‌ای متقابل است، به هر اندازه که احترام به کودک در بین خانواده‌ها و جوامع پررنگ شود، کودکان و نوجوانان هم به خوبی درک کرده و در رفتار و اعمال محترمانه آنان با دیگران موثر خواهد بود. اسلام به خوبی به این نکته مهم توجه دارد که احترام به کودکان ارزش وجودی آن‌ها را حفظ می‌کند و به آن‌ها عزت می‌بخشد و یا بالعکس، بی‌احترامی در عصیان و خشونت آنان موثر است؛ زیرا شخصیت کودکان از همان ابتدا تحت تاثیر رفتار والدین و مربیان شکل می‌گیرد از این رو احترام به کودک در شکل‌گیری رفتار وی و خلق و خوی شخصیتی او در آینده موثر است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: « به فرزندان خود احترام بگذارید و با آداب و

۳. از تنبیه در حال غضب باید اجتناب کرد چرا که پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) از ادب کردن در حال غضب نهی کرده‌اند.

۴. اگر کودک قبل از این که تنبیه شود، متنبه شد نباید او را تنبیه کرد؛ زیرا هدف از تنبیه آگاهی و اصلاح کودک است و وقتی هدف حاصل شد دیگر تنبیه معنی ندارد. همین طور اگر پس از تنبیه کودک رفتار او اصلاح شد دیگر نباید رفتار خلاف او را به رخ کشید و آن را بهانه‌ای برای تنبیه و سرزنش او قرار دهیم.

۸- اصل اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط

یکی دیگر از اصول تربیتی پرهیز از افراط و تفریط است؛ یعنی در واقع هر اصل تربیتی هرچند مطلوب باشد اگر به موقع نباشد یا این که بدون رعایت اصول اساسی بیش از حد تعادل به کودکان القا شود، نه تنها تاثیر به سزایی نخواهد داشت، بلکه ممکن است تاثیر عکس داشته باشد. همچنین تفریط در این امر می‌تواند امر تربیت را نیمه کاره و ناقص اعمال کند و در نتیجه دیگر نمی‌توان انتظار تاثیر تربیت کامل و مطلوب داشت در همین موضوع روایتی از امام علی علیه السلام داریم که می‌فرمایند: (لاتری الجاهل الامفرطاً اومفرطاً)، همیشه جاهل را نمی‌بینی جز اینکه یا زیاده‌روی می‌کند یا کم کاری (نهج البلاغه حکمت ۷۰). انسان عاقل مسلماً در همه امور حیاتی خود به ویژه تربیت، اصل اعتدال را مراعات می‌کند. این اصل که در آموزه‌های دینی بر آن تاکید بسیار شده از سوی خرد و فطرت آدمی نیز تایید شده است؛ زیرا ساماندهی و استواری جسم و جان آدمی و امور فردی و اجتماعی اومرهون رعایت این اصل است از این رو به صراحت می‌توان ادعا کرد سلامت و نشاط روحانی و جسمانی فرزندان تا حد قابل توجهی با این اصل مهم مرتبط است.

امام در این کلام حکمت آمیز به مسئله مهمی اشاره داشتند که سراسر زندگی انسان‌ها را در بر می‌گیرد. راه صحیح به سوی مقصد راه مستقیم است که ما پیوسته در نمازها آن را از خدا طلب می‌کنیم. خطوط انحرافی فراوانی هست که پیدا کردن راه مستقیم را از میان آن خطوط نیازمند به دقت و علم و دانش می‌سازد به همین دلیل جاهل غالباً دچار خطوط انحرافی یا در جانب زیاده‌روی می‌گردد یا در سوی کوتاهی و کندورزی. برخی شارحان این مطلب را در موضوعات مختلف اخلاقی پیوند زده اند و گفته‌اند: همیشه فضایل اخلاقی حد وسط در میان دو دسته از ردایل است. مثلاً شجاعت حد اعتدالی است، که در میان صفت تهور و ترس و بزدلی قرار گرفته است. در این صورت عالم به سراغ حد وسط می‌رود و جاهل همیشه یا در طرف افراط قرار می‌گیرد یا جانب تفریط را می‌گیرد. (شرح نهج البلاغه شوشتري، ج ۸، ص ۲۴۷). خداوند در آیه ۲۹ سوره اسراء بیان می‌دارد «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» نه هرگز دست خود را محکم به گردنت بسته دار و نه بسیار باز و گشاده دار که به نکوهش و درماندگی خواهی نشست. به طور کلی از مفهوم آیه به خوبی می‌توان نکوهش در افراط و تفریط در اموری که افراد به آن مبتلا

و مواجه هستند ملاحظه کرد. در این آیه « دست به گردن بستن » کنایه از تفریط و کم گذاشتن است. درست در مقابل « بست ید » که کنایه از بذل و بخشش می باشد و این که هرچه به دستش آید از دست خود فرو بریزد، مانند کسی که کاملاً دست خود را قابل باران گشوده و حتی قطره‌ای از آن در دست وی باقی نمانده بلیغ‌ترین و رساترین تعبیر در مورد در مورد نهی از افراط و تفریط است.

جمله « فتقعد ملوما محسورا » فرع جمله « ولا تبسطها... » است و کلمه (محسورا) از ماده (حسر) است که به معنای انقطاع و یا عریان شدن است که در این آیه این معنا را می‌رساند که دست خویش را تا به آخر مگشای و بیش از حد دست و دل باز نباش که ممکن است روزی زانوی غم بغل کرده و دستت از همه جا بریده شود و دیگر نتواند خود را در اجتماع ظاهر ساخته و با مردم معاشرت کنی.

بعضی گفته‌اند که جمله « فتقعد ملوما محسورا » متنوع است بر هر دو جمله « ولا تجعل یدک... » و

« ولا تبسطها کل البسط » نه تنها به جمله آخری « ولا تبسطها کل البسط » و معنایش این است که اگر از خرج کردم خودداری کنی و تفریط کنی انجام ملامت و مذمت شده و در گوشه‌ای خواهی نشست و اگر زیاده‌روی و افراط کنی حسرت خورده و مغموم و پشیمان خواهی شد. (ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۳ سید محمد حسین طباطبایی)

۹- اصل استمرار و بیان تدریجی:

از مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی، تعلیم و آموزش مسائل تربیتی به صورت تدریجی و فرایندی می‌باشد؛ زیرا انبوه اطلاعات و موضوعات معرفتی و نیز باید و نبایدهای عملی می‌تواند تربیت شونده را با مشکل مواجه کند. بهترین روش تربیتی آن است که مجموعه معارف علمی و عملی در شکل فرایند بیان شود و گام به گام تربیت شونده را به سوی رفتارها و افکار صحیح هدایت کند. در گام نخست باید معارف اساسی و اصیل ارائه شود که از آن به جوامع الکلم یاد می‌شود. این گزاره‌های کلیدی و اساسی که اصول دین است باید به گونه‌ای بیان شود که شخص به برهان قاطع به حقانیت آن برسد. از این اصول است که فروعاً دیگر حتی فروعاً مربوط به رفتار بدست می‌آید. اصولاً انسان وقتی با حجم نبوهی از آموزه‌های معرفتی و دستوری مواجه می‌شود، خود را ناتوان از درک و عمل به آن می‌یابد و همین وحشت و خوف است که او را از حرکت در مسیر درست باز می‌دارد. از این رو بیان تدریجی ضرورت می‌یابد. خداوند در آیات قرآن بیان می‌کند که اگرچه همه قرآن بر پیامبر یک دفعه نازل شده ولی برای این که مردم بتوانند با آن آموزه‌های تربیتی قرآنی بیش‌تر آشنا شوند، آن را به شکل تنزیل و ترتیل و تفصیل و مرحله به مرحله دوباره فرو فرستاده و در یک زمان‌بندی مشخص و معینی به پیامبر فرمان می‌دهد که آیه را تلاوت و یا حکمی را بیان و اجرا کند. این

اصل به خوبی در آیات ۳۲ سوره فرقان ۱۹۲ شعرا و ۸۰ واقعه مشهود است. از جمله روایت‌های تاکید شده در باب اصل تدریج و استمرار می‌توان به روایتی از حضرت علی علیه السلام اشاره کرد که می‌فرمایند:

« لایحی العلم الا لمن یطیل درسه » (تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف، غررالحکم ودررالكلم، ص ۴۹). بر دانش و معرفت دست نیابد مگر کسی که در یادگیری خود مداومت کند، این اصل مهم بهتراست به موازات رشد و تحول روانی افراد، به کودکان منتقل شود و از شتاب فشار بی‌مورد در این امر مهم پرهیز کرد چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: « احب الاعمال الی الله عزوجل ما داوم العبد علیه وان قل » دوست داشتنی‌ترین اعمال نزد خداوند عملی است که بنده در آن مداومت داشته باشد هرچند اندک باشد.

(فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ج ۴، ص ۳۷۵)

نتیجه گیری

کودکان امانت‌های پروردگار تعالی هستند که در اختیار والدین گذاشته شده‌اند لذا بر پدران و مادران لازم است که کودک خود را به کردار ناپسند عادت ندهند و در پرورش جسمی، روحی، اخلاقی و معنوی آن‌ها تلاش جدی داشته باشند. کودک با رفتار پسندیده خود تربیت صحیح اولیا و مربیان می‌تواند انسانی با فضیلت شود در غیر این صورت فردی نامطمئن و فاسد به بار می‌آید؛ بنابراین با صراحت می‌توان اظهار داشت که سعادت و شقاوت هر کس به کیفیت او در کودکی بستگی دارد. از این رو مفهوم کلیدی تعلیم و تربیت از ضروری بشر است به گونه‌ای که در طول حیات علمی و معنوی خود پیوسته به آن نیازمند می‌باشد و مورد توجه مربیان بزرگ و مصلحان اجتماعی بوده است. بنابراین تعلیم و تربیت ضرورت حیات انسان است و هم‌چنان فلسفه بعثت پیامبران بر مبنای تعلیم و تربیت بوده است. پس با توجه به آنچه که گذشت تربیت نیاز غیر قابل انکار بشر است، از این رو آگاهی و شناخت نسبت به ابعاد مختلف وجودی و شناسایی توانایی‌ها و استعداد های فردی شناخت ویژگی‌های سنی تکالیف و حقوق و.... لازمه قدم گذاشتن در این مسیر است پس پدران، مادران و مربیان باید گاهی‌های لازم را در این مورد کسب نمایند و از این رو

آگاهی ما نسبت به مراحل تربیت می‌تواند سعادت و شقاوت کودکان را رقم بزنند. با توجه به اینکه دین مبین اسلام برنامه کامل و همه جانبه تربیتی را برای ما تدارک دیده است، پس بنابراین لازم و ضروری به نظر می‌رسد که ما نسبت به توصیه‌ها و تاکیدات آیات و روایات، آگاهی لازم در این مورد مهم را کسب نماییم و بدان التزام عملی داشته باشیم.

منابع

- ۱- آقاجانی، طهمورث، رشید جبارف، ۱۳۹۳، تاثیربازی برمهارت های اجتماعی کودکان، نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۶ شماره ۳، صص ۹۷-۱۰۴
- ۲- ۱ حمدزاده، محمد، ۱۳۹۸، مفهوم شناسی تربیت درقرآن، مجله مطالعات فقهی، تربیتی شماره ۱۳، صص ۱۱-۳۰
- ۳- امیرامینی خلف لر، مهناز ۱۳۹۷، بررسی تعلیم و تربیت ورابطه آن بادیدگاه های فلسفی مختلف
- ۴- امینی، ابراهیم (۱۳۷۴)، اسلام وتربیت، انتشارات انجمن و اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چ اسلامی ول وسائل، ج ۱۴ ص ۲۹
- ۵- بیگدلی، زهرا شهنی ییلاق، منیجه؛ صباغی نژاد، رجبی، غلامرضا ۱۳۹۸، سال یازدهم، شماره ۱
- ۶- حسن زاده، صالح، نقش تربیت دینی و عملی درکمال انسان یابی، فصلنامه آفاق دین، ج ۲، شماره ۶
- ۷- قمی، محمدبن علی بابویه قمی، (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۳
- ۸- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ دوم انتشارات شفق، ج ۷۷ ص ۱۷۵
- ۹- عباسی، سمیرا، عسگری، زهره، ۱۳۹۴، بررسی ارتباط سبک فرزندپروری زنان شاغل درمراکز درمانی با اضطراب وگوشه گیری کودکان، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی پرستاری ایران دوره دهم، شماره ۲ ص ۶۳-۷۱
- ۱۰- علم الهدی، جمیله، (۱۳۷۶)، تاثیرمسیحیت برتعلیم وتربیت درغرب، ماهنامه کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۵، صص ۵۴-۵۶

- ۱۱- کیان، مریم، (۱۳۹۴)، تبیین ابعاد تربیت کودک در نظام خانواده از دیدگاه اسلام، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، شماره ۱۸، صص ۳۵-۹
- ۱۲- مومنی، ناصر، (۱۳۹۵)، تربیت انسان در پرتوانسان شناسی صدرایی، فصلنامه علمی پژوهشی حکمت صدرایی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۶۷
- ۱۳- نیکنامی، ندا؛ میرمهدی، سید رضا، ۱۳۹۰، حقوق بشر، ج ۶، شماره ۲
- ۱۴- مهدی زاده، محمدصادق ۱۳۹۶، بررسی اخلاق حرفه ای معلم در نظام تربیت اسلامی از منظر استاد شهید مرتضی مطهری، دومین کنفرانس سراسری علوم تربیتی، مطالعات اجتماعی و روان شناسی، سال دوم، شماره ۶
- ۱۵- رضایی، مسعود، جوهری، امیرمحمد (۱۳۹۹)، تربیت اسلامی مجله پژوهش و مطالعات علوم انسانی، سال دوم، شماره ۱۶